

بررسی مقایسه‌ای زنان و مردان جوان شهرستان نهاوند در ارتباط با میزان و ابعاد (عینی- ذهنی) طرد اجتماعی

علی اکبر تاج مزینانی^۱، فاطمه خرم‌آبادی^{۲*}

۱- استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشکده علامه طباطبایی

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی

چکیده

طرد اجتماعی به عنوان موضوعی که با توجه به عمر کوتاهش بسیار مورد توجه سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان رفاه اجتماعی قرار گرفته، رویکرد جدید حوزه سیاست اجتماعی است که به مسأله فقر و نابرابری توجه دارد. این پژوهش به بررسی مقایسه‌ای میزان و ابعاد (عینی- ذهنی) طرد اجتماعی، بین زنان و مردان ۱۵-۲۹ سال شهری و روستایی شهرستان نهاوند می‌پردازد. روش پژوهش از نوع پیمایشی است و برای جمع‌آوری اطلاعات از پرسشنامه استفاده شده است. نمونه مورد نظر به تناسب جمعیت شامل جوانان شهری و روستایی است که برای سطح شهر و روستا به ترتیب از نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب و نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بین میزان و ابعاد (عینی و ذهنی) طرد و جنسیت رابطه وجود دارد. به نحوی که به طور کلی در شهر و روستا زنان نسبت به مردان از طرد بیشتری رنج می‌برند و از نظر ابعاد طرد نیز یافته‌ها نشان می‌دهند که زنان طرد عینی و مردان طرد ذهنی بیشتری را تجربه کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: طرد اجتماعی، جوانان، زنان، مردان، طرد عینی، طرد ذهنی

مقدمه و بیان مسأله

طرد اجتماعی^۱ به عنوان واقعیتی جدید همواره مورد توجه اندیشمندان اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی بوده است. لیکن در دهه‌های ابتدایی قرن بیستم پس از پیدایش بحث‌های توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی و به صورت مشخص‌تر با طرح مباحث مربوط به رفاه اجتماعی شاهد ظهور و گسترش سازه مطرودیت اجتماعی به عنوان سازه‌ای پویا و چند بعدی هستیم که به مرور جایگزین مفهوم کلاسیک فقر شده، به گونه‌ای که نه تنها به مثابه مسأله‌ای اجتماعی بلکه بعنوان رویکردی در تحلیل مسایل اجتماعی مورد استفاده گسترده‌ای قرار گرفته است. این واقعیت (طرد اجتماعی) قشرهای مختلف جامعه را در بر می‌گیرد. اما در این میان جوانان و بخصوص زنان جوان از جمله اقشاری هستند که با توجه به شرایط سنی و دوران گذارشان از نوجوانی به جوانی و ارزش‌های جامعه بیشتر با ابعاد اجتماعی محرومیت مواجه می‌شوند.

زنان در بسیاری از اجتماعات کمتر از مردان در مکان‌های عمومی دیده و صدایشان شنیده می‌شود. مشارکت زنان در برخی فعالیت‌های اجتماعی محلی محدود به نقش‌های زنانه سنتی است. حتی در اجتماعاتی که زنان اکنون در فرآیندهای تصمیم‌گیری خانوار درگیر هستند، آنها در حاشیه قرار دارند یا خودشان را از تصمیم‌گیری در سطح اجتماع محلی دور نگاه داشته‌اند. ذکر این نکته ضرورت دارد که اگر چه در برخی از اجتماعات محلی دور نگاه می‌شود که زنان بیشتر از مردان در اجتماع مشارکت دارند یا حتی حقوق و قدرت بیشتری از مردان دارند. اما اغلب مردان در مورد تصمیم‌های اجتماع محلی اعمال قدرت و نفوذ می‌کنند (نارایان^۲، ۲۰۰۰: ۱۴۳).

باید اذعان داشت که، که جوانان و بخصوص زنان جوان بعنوان مادران آینده سرمایه‌های انسانی اصلی برای اهداف توسعه ملی در کشورهای موسوم به جوامع در حال توسعه بوده، که

1 Social Exclusion

2 Narayan

در عین حال از بزرگترین چالش‌های پیش روی جوامع مذکور در جریان رشد و گذار به توسعه یافتگی محسوب می‌شوند.

بنابراین از آنجایی که در کشور ما تعداد کثیری از جمعیت را زنان جوان تشکیل داده، و با توجه به نقشی که در استحکام خانواده و تربیت فرزندان دارند، لذا، توجه به ابعاد مختلف و مسایل پیش روی این قشر از حساسیت بالایی برخوردار است. و تلاش در جهت رفع مطروذیت اجتماعی بعنوان یکی از این مسایل، روحیه انزوا، جدایی طلبی و احساس از خود بیگانگی در جوان را از بین برده و در آن‌ها روحیه امید به آینده، رضایت از زندگی و تلاش در جهت آبادانی و موفقیت روز افزون خود، اعضای خانواده و در نتیجه جامعه را نوید می‌دهد. از همین روست که توجه به جوانان، زنان جوان و ابعاد مطروذیت اجتماعی آنها در دهه‌های گذشته از مسایل مهم حوزه رفاه و سیاست اجتماعی به ویژه در کشورهایی که بیشترین جمعیت را جمعیت جوان تشکیل می‌دهد است. بر این اساس هدف ما نیز در این پژوهش بررسی مقایسه زنان و مردان جوان در ارتباط با میزان و ابعاد (عینی-ذهنی) طرد اجتماعی است.

ادبیات مفهومی و نظری پژوهش

مفهوم طرد اجتماعی

لیویتاس محرومیت اجتماعی را یک مفهوم پیچیده و چند بعدی معرفی می‌کند که شامل فقدان و یا عدم توانایی برای مشارکت در روابط و فعالیت‌های نرمال در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی در جامعه است، که این امر بر روی کیفیت زندگی افراد و گروه‌ها، برابری و انسجام اجتماعی به عنوان یک کل مؤثر است (لیویتاس^۱، ۲۰۰۷: ۷).

مردم به فرصت‌هایی برای مشارکت کامل در زندگی شان نیاز دارند تا به اندازه ی کافی رشد کنند و پتانسیل‌های (استعدادهای بالقوه) خود را آشکار سازند. اما برخی از گروه‌ها به طور سیستماتیک در جامعه از فرصت‌هایی که برای دیگران وجود دارد طرد می‌شوند زیرا به دلیل نژاد، مذهب، قومیت، جنسیت، طبقه، سن، ناتوانی، و سایر مشخصه‌های اجتماعی مورد

تبعیض هستند. تبعیض در نهادهای اجتماعی مانند: سیستم‌های قانونی یا آموزشی و سرویس‌های ارائه خدمات بهداشتی رخ می‌دهد. (ضمیران، ۱۳۸۸: ۵۸)

دیدگاه‌ها و نظریه‌های طرد اجتماعی

در خصوص سطوح مختلف طرد دو الگوی متفاوت وجود دارد، ابتدا الگویی است که تاج مزینانی با جمع بندی عناصر نظریات مختلف، ارائه کرده‌اند. و الگوی دیگر، تمایزی است که بین ابعاد عینی طرد اجتماعی افراد و ارزیابی‌های ذهنی آنها از این مقوله صورت گرفته است. بر اساس الگوی نوع اول، تاج مزینانی عواملی را که منجر به مطرودیت اجتماعی جوانان می‌شوند را در پنج سطح فردی، خانوادگی، محلی، ملی و بین‌المللی شناسایی و تقسیم بندی نموده‌اند. که در این پژوهش سطوح فردی و محلی مد نظر است.

الگوی نوع اول

طرد در سطح فردی

عواملی که در سطح فردی در الگوی سلسله مراتبی تاج مزینانی جای می‌گیرند عبارتند از: جنسیت، قومیت، معلولیت و سطح زندگی، که در پژوهش حاضر جنسیت عامل مورد نظر ما در سطح فردی است. به گفته تاج مزینانی علی‌رغم بهبودها و پیشرفت‌های قابل توجهی که طی دهه‌های اخیر در وضعیت زنان و دختران جوان روی داده است و نمونه‌های آن را می‌توان بیش از همه در حوزه‌هایی نظیر آموزش و بهداشت ملاحظه نمود، جنسیت هنوز هم عاملی قابل توجه در مطرودیت و کنارگذاری اجتماعی به شمار می‌رود. (تاج مزینانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۸۸-۵۸۵).

الگوی نوع دوم

طرد عینی

سطح عینی طرد به جنبه‌های واقعی حیات فردی و اجتماعی ارجاع دارد. در سنجش و ارزیابی طرد عینی جنبه‌هایی از طرد که نشان دهنده موقعیت و وضعیت حقیقی افراد از نظر

شاخص‌های مورد توجه محقق در زمینه شرایط و مقتضیات زندگی آنان است، مورد سؤال واقع می‌شود. به عبارت دیگر در این سطح، شرایط زندگی افراد آنطور که هست و در آن قرار دارند مورد بررسی قرار می‌گیرد، و نه ارزیابی‌ای که خود آنان از وضعیت زندگی بد و نامساعدشان به عمل آورده و ابراز می‌نمایند (جوئل^۱، ۲۰۰۷: ۳۰)

طرد ذهنی

سطح ذهنی طرد در مقابل طرد عینی، به ارزیابی افراد از وضعیت زندگی‌شان ارجاع دارد و احساس افراد از مطرود بودن یا مشمول بودن را بازنمایی می‌کند. مؤلفه‌های عمده نمایاننده این سطح از طرد عبارتند از مقولاتی همانند رضایت از زندگی به صورت کلی، رضایت از روابط اجتماعی، رضایت از وضعیت مسکن، رضایت از شرایط کلی زندگی، رضایت از درآمد و رضایت از شاخص‌های مربوط به سلامت روانی/ذهنی. به این معنی که میزان احساس رضایت از زندگی، شاد بودن و یا منزوی بودن فرد چقدر است (جوئل، ۲۰۰۷: ۳۰)

همچنین در خصوص رویکردهای مبتنی بر مبحث طرد، رهیافت دیگری نیز وجود دارد که حائز اهمیت. براساس این رهیافت، افرادی مانند دامبرزیو^۲ و گرادین^۳ (۲۰۰۳) معتقدند که طرد اجتماعی بر طبق فلسفه سیاسی کشورهای اروپای غربی و آمریکای شمالی، در قالب سه رویکرد قابل درک است: رویکرد است همبستگی، انحصاری و تخصصی.

رویکرد همبستگی^۴

این رهیافت که از فلسفه جمهوری خواهی رسو و دورکیم سرچشمه گرفته و تا حد زیادی بر جامعه‌شناسی انسانشناختی و مطالعات فرهنگی به ویژه در فرانسه تأثیر داشته است (هان^۵، ۱۹۹۹: ۴)، از تجربه دولتهای انقلابی چون فرانسه الگو گرفته و به رویکرد فرانسوی^۶ نیز

1 Jehoel

2 Dambrosion

3 Gradin

4 Solidarity Approach

5 Hann

6 French Approach

معروف شده است. مطابق این اندیشه، پایه انسجام اجتماعی بر همبستگی ارگانیک قرار دارد و نظم اجتماعی حول ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و سیاست‌های اجتماعی انتظام می‌یابد. از این رو در این رویکرد، طرد به عنوان گسست همبستگی (سیلور و میلر^۱، ۲۰۰۲: ۲) و از هم گسیختگی پیوندهای اجتماعی بین فرد و اجتماع درک می‌شود (ESCWA، ۲۰۰۷: ۲). لذا طرد اجتماعی به عنوان فرآیند پویای سلب صلاحیت اجتماعی^۲ دیده می‌شود که به موجب آن روابط اجتماعی بین افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند نقض و قطع می‌شود. در این رویکرد دولت مسئول تقویت پیوندهای اجتماعی است که افراد و جامعه را به یکدیگر متصل می‌سازد و به واسطه آن انسجام اجتماعی ارتقا می‌یابد (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۹-۳۸).

رویکرد تخصصی شدن^۳

این رویکرد که به رویکرد انگلوساکسون^۴ نیز معروف است در لیبرالیسم و فلسفه لاک و مدیسون و در دولتهای لیبرال مانند ایالات متحده آمریکا ریشه دارد. این رویکرد بر وابستگی چند سویه حوزه‌های تخصصی جامعه در مبادله کالا و خدمات تأکید نموده و طرد را ناشی از رفتارهای فردی برمی‌شمرد. بنابراین پیوندهای اجتماعی به عنوان تماس‌های داوطلبانه متقابل بین افراد مهم می‌شوند. در نتیجه هیچ کس مسئول موفقیت اجتماعی دیگران نیست. مطابق با این رویکرد دو نوع طرد اجتماعی را می‌توان بر شمرد: یکی طرد تحمیلی که به واسطه عدم قابلیت و شکست در فعالیتهای بازار و سایر عرصه‌های اجتماعی برای محرومین به ارمغان می‌آید، و دیگری طرد ارادی که فرد (چه محروم و چه غیر محروم) از روی اختیار با جامعه قطع رابطه می‌کند (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۹؛ ESCWA، ۲۰۰۷: ۲).

1 Silver & Miller

2 Social Disqualification

3 Specialization Approach

4 Anglosaxon Approach

رویکرد انحصاری^۱

این رویکرد مختص جوامعی است که ساختار سلسله مراتبی دارند (ESCWA، ۲۰۰۷: ۲). در این رهیافت، جامعه ترکیبی از دو گروه خودی^۲ به معنای آنهایی که منابع را در اختیار دارند و غیر خودی^۳ یعنی آنهایی که منابع را در اختیار ندارند است و محرومیت اجتماعی ناشی از تحمیل گروه‌های معینی به دیگر گروه‌هاست (غفاری و تاج‌الدین، ۱۳۸۴: ۳۲-۲۹). در خصوص ابعاد و علل مؤثر بر طرد، در قالب رویکردهای بر شماری شده آرا و نظریات گوناگونی مطرح شده است.

دیدگاه زیبرا

از دیدگاه زیبرا محرومیت اجتماعی هم در بعد ذهنی و هم در بعد عینی قابل بررسی است مخصوصاً دیدگاه مورد علاقه او که بیشتر متمایل به بعد ذهنی محرومیت اجتماعی است. او قلمروهای متعددی را برای محرومیت اجتماعی افراد در نظر می‌گیرد که محدودیت در هر یک از این قلمروها و ناهماهنگی در به دست آوردن هنجارهای هر یک از آنها، می‌تواند منجر به نوعی محرومیت گردد البته زیبرا معتقد است شکست در یک قلمرو اجتماعی به محرومیت منجر نمی‌گردد. بلکه تعدد شکست‌ها و نقص‌ها است که می‌تواند منجر به محرومیت اجتماعی گردد. وی نقطه مشترک اشکال متعدد محرومیت را گسستگی فرد از روابط اجتماعی می‌داند. نکته جالب توجه در این دیدگاه آن است که زیبرا مفهوم گسستگی را تا سطح گسستگی از خود و تصویری که انسان از خویش ساخته (هویت) تعمیم می‌دهد (زیبرا، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۱).

نارایان و بنیان‌های محرومیت اجتماعی

نارایان و دیگران در کتاب «صدای فقرا، فریاد برای تغییر» به بررسی برخی عواملی که منجر به محرومیت اجتماعی فقرا می‌شوند اشاره می‌کند. این عوامل عبارتند از:

1 Monopoly
2 insider
3 outside

فقدان پول و ثروت؛ انزوای قومی، زبانی، نژادی و فرهنگی، بیماری و ناتوانی فیزیکی و ذهنی،^۱ محرومیت ناشی از مکان زندگی،^۲ رفتارهای خارج از شبکه‌های اجتماعی، محرومیت جنسیتی. که در مقاله حاضر از بین این عوامل محرومیت ناشی از جنسیت مد نظر هستند.

محرومیت جنسیتی^۳

زنان در بسیاری از اجتماعات کمتر از مردان در مکان‌های عمومی دیده و صدایشان شنیده می‌شود. مشارکت زنان در برخی فعالیت‌های اجتماعی محلی محدود به نقش‌های زنانه سنتی است. حتی در اجتماعاتی که زنان اکنون در فرآیندهای تصمیم‌گیری خانوار درگیر هستند، آنها در حاشیه قرار دارند یا خودشان را از تصمیم‌گیری در سطح اجتماع محلی دور نگاه داشته‌اند. این تلقی وجود دارد که فرآیندهای تصمیم‌گیری رسمی به عنوان بخشی از اجتماع محلی است و از آنجایی که، اجتماع محلی به طور معمول صرفاً مردانه معنا می‌شود، زنان به آن راهی ندارند. البته تفاوت‌هایی نیز در درون اجتماعات دیده می‌شود. به عنوان نمونه گروه‌هایی از زنان غنی‌تر ممکن است نسبت به دیگر گروه‌های زنان در همان اجتماع، کمتر احساس انزوا و از خود بیگانگی نمایند. ذکر این نکته ضرورت دارد که اگر چه در برخی از اجتماعات محلی احساس می‌شود که زنان بیشتر از مردان در اجتماع مشارکت دارند یا حتی حقوق و قدرت بیشتری از مردان دارند. اما اغلب مردان در مورد تصمیمات اجتماع محلی اعمال قدرت و نفوذ می‌کنند (نارایان، ۲۰۰۰: ۱۴۳).

چمبرز

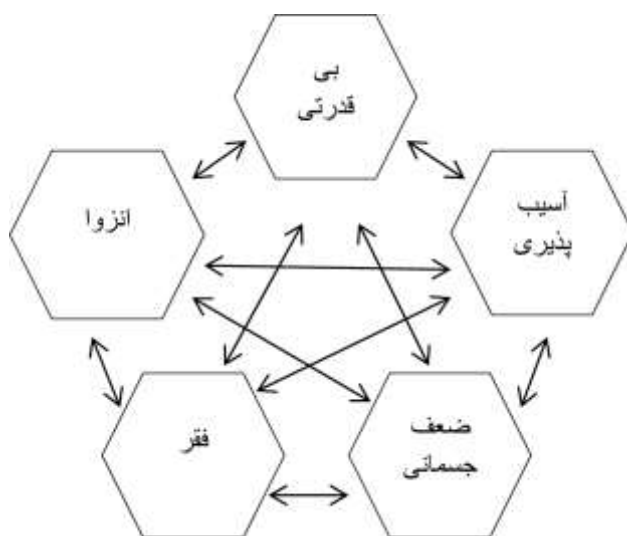
دیدگاه محوری در نظریه چمبرز فقر است. در این دیدگاه او بیش‌تر به فقر روستایی اشاره می‌کند. و در دیدگاهش از اجتماعات و یا افراد شروع می‌کند. اگر از افراد شروع کنیم این مزیت را در بر دارد که می‌توان به وضع نامساعد زنان در بسیاری از این جوامع اشاره داشت که، بعضی اوقات از بدو تولد آغاز می‌شود. این دو بعد- بعد مبتنی بر محل استقرار و منابع، و

1 Mental and Health disabilities ,Physical

2 Area Stigma

3 The Exclusion of Womn

بعد مبتنی بر جنسیت اهمیت دارند و همه آنچه را که در پی می‌آید، توصیف می‌کنند: برخی از اجتماعات فقیرتر از اجتماعات دیگر هستند و فقر همه گیر در آنها وجود دارد و زنان، البته نه همیشه، از مردان فقیرتر هستند. فقدان ثروت با پایین آمدن منزلت همراه است، چون فقرا توانایی ندارند، لذا فقر به بی قدرتی آنها می‌انجامد.



شکل (۱) تله محرومیت از دیدگاه چمبرز

همانطور که دیده شد محور اصلی در دیدگاه چمبرز فقر است. از نظر او فقر مادی است که منجر به انواع مسایل و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن می‌شود.

چارچوب نظری پژوهش

در این پژوهش با استفاده از دیدگاه‌های مطرح شده به ارایه یک چارچوب نظری مناسب خواهیم پرداخت. چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش چارچوبی تلفیقی از نظریات مطرح شده در بخش ادبیات نظری پژوهش است.

از آنجایی که مقاله حاضر به بررسی تأثیر عامل جنسیت بر میزان و ابعاد طرد اجتماعی می-پردازد، از دسته بندی تاج مزینانی از سطوح تحلیل محرومیت اجتماعی، در سه سطح فردی، خانوادگی و محلی استفاده شده است که در این مقاله سطح فردی با مؤلفه جنسیت مد نظر است.

همچنین در بررسی ابعاد مختلف طرد اجتماعی، نظریه زیبرا مبنی بر تقسیم بندی طرد بر اساس معیارها و موقعیت عینی و واقعی افراد، در مقابل ارزیابی های ذهنی آنان مورد استفاده قرار گرفته است.

علاوه بر این، طبق نظر دامبوزیو و گرادین دو رویکرد نظری حاکم بر این مطالعه رویکرد تخصصی شدن (سنت انگلیسی) و همبستگی (سنت فرانسوی) است. که هر یک از این دو رویکرد، بر جنبه خاصی از پدیده طرد / شمول اجتماعی تأکید کرده و پیدایش آن را از منظری خاص مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند. به نحوی که در رویکرد تخصصی شدن، تأکید اصلی بر روی نظام توزیع نامناسب و فرصت های دستیابی کافی به آن است (سیلور، ۱۹۹۴: ۴۴۱۱). در صورتی که در رویکرد همبستگی، پدیده طرد در موقعیت عینی یا نمادین (ذهنی) آن، منتج از نظم پیوند یا گسستگی های متعدد بین افراد و گروه های اجتماعی با جامعه است (زیبرا، ۱۳۸۵: ۷-۳۳).

بر اساس رویکردهای ذکر شده، دو جنبه اصلی بر مفهوم طرد عینی مد نظر است که عبارتند از: الف) طرد ساختاری اقتصادی که ارجاع به نظام توزیع منابع و فرصت ها (بعد توزیعی) داشته و در راستای رویکرد تخصصی شدن است. این جنبه طرد شامل دو بعد مادی (در آمد و کالا) و غیر مادی (حقوق اجتماعی) است.

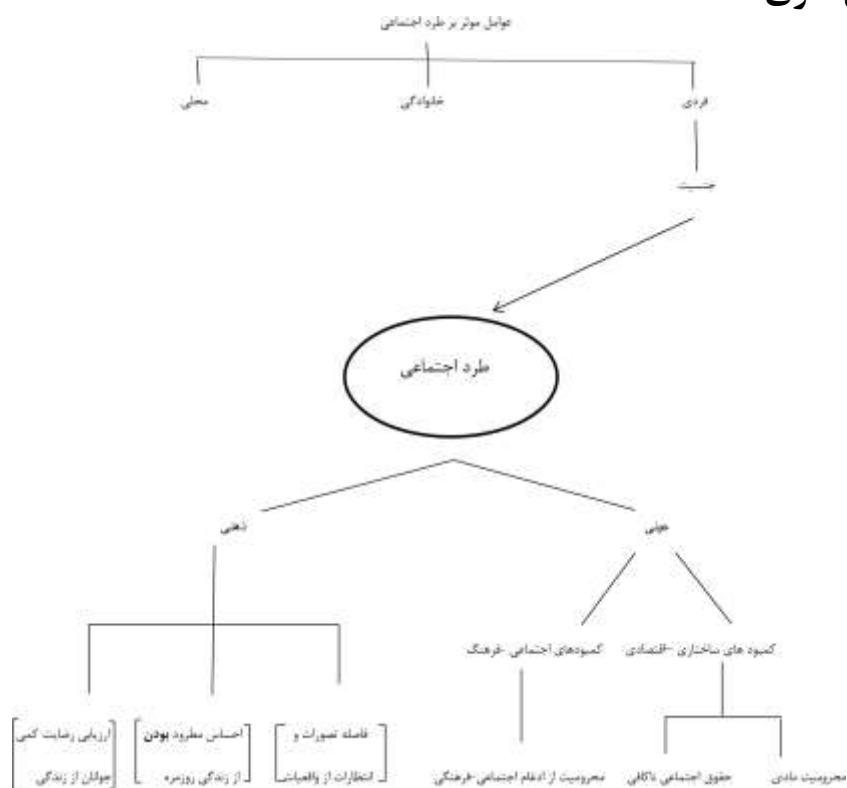
ب) طرد اجتماعی و فرهنگی که اشاره به بعد ارتباطی یا پیوندی (اجتماعی و هنجاری) موضوع دارد که در رویکرد همبستگی مد نظر است. این بعد طرد شامل دو جنبه است. ۱- ادغام اجتماعی (روابط اجتماعی) ۲- ادغام فرهنگی (ارزش ها و هنجارها یا ارتباط هنجاری).

فرضیه‌ها

با توجه به اهداف پژوهش و چارچوب نظری آن، فرضیه‌های زیر مورد آزمون تجربی قرار گرفته‌اند.

- بین جنسیت افراد و میزان طرد اجتماعی آنها رابطه معناداری وجود دارد.
- بین جنسیت افراد و ابعاد (عینی، ذهنی) طرد اجتماعی افراد رابطه معناداری وجود دارد.

مدل نظری



روش پژوهش

روش پژوهش مورد استفاده در پژوهش حاضر، روش پیمایش بوده و جامعه آماری مورد مطالعه نیز جوانان ۱۵-۲۹ سال شهرستان نهاوند است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، حجم جامعه آماری، یعنی تعداد کل جوانان این شهرستان، ۵۷۳۸۴ نفر بوده، که از این تعداد ۲۸۴۴۴

نفر آنها شهری و ۲۸۹۴۰ نفر آنها روستایی بوده‌اند. همچنین ۲۸۴۱۶ نفر از جامعه آماری را زنان و ۲۸۹۶۸ نفر از آن را مردان تشکیل می‌دهند. که در زیر تعداد زنان و مردان شهری و روستایی به تفکیک آمده است.

جدول (۱) جامعه آماری به تفکیک شهر و روستا و جنسیت

جنسیت محل سکونت	زن	مرد
شهر	۱۴۳۹۶	۱۴۰۴۸
روستا	۱۴۰۲۰	۱۴۹۲۰
کل	۲۸۴۱۶	۲۸۹۶۸

روش نمونه‌گیری در سطح شهرستان با توجه به همگنی این شهرستان و وسعت کوچک آن و نداشتن هیچ نوع منطقه و ناحیه بندی، از نوع طبقه‌ای متناسب است. و برای نمونه‌گیری در سطح روستاها از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. به این صورت که ابتدا، در خوشه اول از بین دهستان‌های شهرستان دهستان طریق الاسلام به‌عنوان اولین خوشه انتخاب شد و در این دهستان شش روستا (سعدوقاص، گوشه، طائمه، وهمان، دهقان آباد و چولک) به‌طور تصادفی در خوشه دوم جای گرفتند. و در خوشه سوم منازل مسکونی مورد نظر انتخاب شدند.

حجم نمونه در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران با دقت برآورد $d=0/05$ ، معادل $n=382$ نفر تخمین زده شده است.

علاوه بر این، از آنجایی که جامعه آماری شامل زنان و مردان شهری و روستایی می‌شود، بنابراین نمونه به چهار طبقه زنان و مردان شهری و روستایی تقسیم شده است. که روش طبقه بندی متناسب با حجم برای تعیین سهم نمونه در هر کدام از این گروه‌ها (در قالب جدول شماره ۲) مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول (۲) نمونه آماری به تفکیک شهر و روستا

جنسیت	محل سکونت	
	زن	مرد
شهر	۹۷	۹۲
روستا	۹۳	۹۸
کل	۱۹۰	۱۹۰

تعاریف عملیاتی متغیرها محرومیت اجتماعی

در این پژوهش محرومیت اجتماعی در دو بعد عینی و ذهنی مورد بررسی قرار گرفته، محرومیت عینی در قالب کمبودهای اجتماعی-فرهنگی (محرومیت تحصیلی، میزان مشارکت در فعالیتهای جمعی، محرومیت از فعالیتهای فراغتی) و کمبودهای ساختاری-اقتصادی (شرایط محل زندگی، محرومیت از امکانات و فرصت‌ها در محل زندگی) مورد سنجش قرار گرفته و بعد ذهنی طرد توسط مؤلفه‌هایی همچون فاصله تصورات و انتظارات از واقعیات، احساس مطرود بودن از زندگی روزمره و ارزیابی رضایت جوانان از زندگی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

اعتبار و پایایی

از آنجایی که پژوهش حاضر متکی بر نظریات متخصصان بوده از اعتبار سازه برخوردار است. علاوه بر این، شاخص‌ها و سؤالات مورد استفاده در این مقاله در پژوهش‌های داخلی و خارجی بکار برده شده و اعتبار آنها از پیش تأیید شده است. برای اندازه‌گیری میزان روایی شاخص‌ها و سؤالات نیز از آلفای کرونباخ با دامنه صفر تا یک استفاده شده است.

جدول (۳) میزان پایایی مقیاس‌ها

میزان آلفا	متغیر
.۷۲	جنسیت
۰/۶۹	طرد عینی
۰/۷۱	طرد ذهنی

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

در پژوهش حاضر ۳۸۰ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ شهری و روستایی شهرستان نهاوند مورد بررسی قرار گرفتند که میانگین سنی آنها ۲۲ سال می‌باشد. و نمونه مورد بررسی را ۵۰ درصد زن و ۵۰ درصد مرد تشکیل می‌دهد. از نظر تحصیلات نیز ۲۵ درصد از آنها زیر دیپلم، ۳۸/۹ درصد دیپلم و فوق دیپلم، و ۳۶/۱ درصد از آنها لیسانس و فوق لیسانس هستند. همچنین بررسی مقایسه‌ای میان زنان و مردان نشان داد که، ۷۷/۹ درصد از زنان طرد اجتماعی بالا، ۱۹/۵ و ۲/۶ درصد نیز به ترتیب به میزان متوسط و پایینی از طرد رنج می‌برند. و این در صورتی است که ۴۸،۵۲ درصد از مردان به میزان بالا و ۳۲،۴۷ و ۱۹،۰۱ درصد از آنها نیز به ترتیب به میزان متوسط و پایینی طرد اجتماعی را تجربه کرده‌اند. مقایسه بین زنان و مردان از نظر ابعاد طرد نیز نشان می‌دهد که، ۸۸،۹ درصد از زنان به میزان بالا، ۹،۱ و ۳ درصد نیز به میزان متوسط و پایینی طرد را به صورت عینی تجربه و از بعد ذهنی نیز ۴۱،۶ به میزان بالا، ۳۴،۵ و ۲۳،۹ درصد به میزان متوسط و پایین طرد را احساس کرده‌اند. در حالی که، ۳،۱ درصد از مردان به میزان بالا و ۱۹،۲ و ۷۷،۷ درصد نیز به ترتیب میزان متوسط و پایینی طرد عینی را تجربه کرده‌اند. و از بعد ذهنی نیز ۸۲،۳ درصد طرد ذهنی بالا و ۱۱،۶ و ۶،۱ درصد از آنها به ترتیب از طرد ذهنی متوسط و پایینی رنج برده‌اند.

یافته‌های استنباطی

برای آزمون روابط چندگانه و هم زمان میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از تحلیل رگرسیونی استفاده کرده‌ایم.

۱- بین جنسیت و میزان طرد اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

به منظور ارزیابی و پاسخگویی به این فرضیه از آزمون همبستگی اتا Eta استفاده می‌کنیم.

جدول (۴) نتایج آزمون همبستگی بین جنسیت و طرد اجتماعی

مقدار Eta	
۰,۷۳۴	جنسیت * طرد اجتماعی

با توجه به نتیجه آزمون اتا که حکایت از رابطه قوی بین جنسیت و میزان طرد اجتماعی دارد، فرضیه فوق تأیید می‌گردد. با توجه به نتیجه فوق، می‌خواهیم ببینیم میزان طرد اجتماعی در بین زنان و مردان روستایی و شهری به چه شکل است و کدامیک از این دو گروه (زنان و مردان) احساس طرد بیشتری را تجربه کرده‌اند.

جدول (۵) مقایسه میانگین زنان و مردان روستایی و شهری در رابطه با میزان طرد اجتماعی

آزمون آماری t	انحراف معیار	میانگین	طرد اجتماعی	
t= 3.714 Sig= 0.000	۳۸,۴۸	۲,۱۶	زنان	روستا
	۳۸,۲	۱,۹۷	مردان	
t=3.21 Sig= 0.03	۳۳,۴۶	۲,۶۳	زنان	شهر
	۳۷,۲۶	۲,۴۳	مردان	

نتایج مقایسه میانگین بین زنان و مردان روستایی و شهری نشان می‌دهد که میزان اختلاف میانگین مشاهده شده در بین زنان و مردان روستایی معنادار است. به این معنی که زنان روستایی

نسبت به مردان روستایی طرد اجتماعی بالاتری را تجربه می‌کنند. و همینطور زنان شهری از طرد بیشتری نسبت به مردان شهری رنج می‌برند.

۲- بین جنسیت فرد و ابعاد (عینی و ذهنی) طرد رابطه معناداری وجود دارد.

۲-۱- بین جنسیت فرد و طرد عینی رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور ارزیابی و پاسخگویی به فرضیه فوق، از آزمون همبستگی اتا Eta استفاده می‌کنیم.

جدول (۶) نتایج آزمون همبستگی بین جنسیت و طرد عینی

مقدار Eta	
۰,۴۹۶	جنسیت * طرد عینی

مقدار اتا نشان می‌دهد بین جنسیت و طرد عینی رابطه قوی وجود دارد و فرضیه ما تأیید می‌شود.

با توجه به نتیجه فوق، می‌خواهیم ببینیم میزان طرد عینی در بین زنان و مردان به چه شکل است و کدامیک از این دو گروه احساس طرد بیشتری را تجربه کرده‌اند.

جدول (۷) مقایسه میانگین زنان و مردان در رابطه با طرد عینی

طرد عینی	میانگین	انحراف معیار	آزمون آماری t
زن	۵۳,۴۶	۴۹,۷۲	t = ۱۱,۲۶
مرد	۴۸,۲۴	۴۲,۹۵	Sig = ۰,۰۵

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در بین مردان با میانگین (۴۸,۲۴) و زنان با میانگین (۵۳,۴۶) در میزان طرد عینی تفاوت وجود دارد و این تفاوت معنادار نیز است. به عبارت دیگر زنان میزان طرد عینی بیشتری را تجربه می‌کنند.

۲-۲- بین جنسیت و طرد ذهنی رابطه معنادار وجود دارد.

به منظور ارزیابی و پاسخگویی به این فرضیه نیز، از آزمون همبستگی اتا Eta استفاده می‌-

کنیم.

جدول (۸) نتایج آزمون همبستگی بین جنسیت و طرد ذهنی

مقدار Eta	
۰,۵۱۱	جنسیت * طرد ذهنی

با توجه به خروجی فوق، می‌توان گفت رابطه قوی بین جنسیت و طرد ذهنی مشاهده شد که نشان از تأیید فرضیه پژوهش دارد. می‌خواهیم ببینیم میزان طرد ذهنی در بین زنان و مردان به چه شکل است و کدامیک از این دو گروه احساس طرد بیشتری را تجربه کرده‌اند.

جدول (۹) مقایسه میانگین زنان و مردان در رابطه با طرد ذهنی

طرد ذهنی	میانگین	انحراف معیار	آزمون آماری t
زن	۵۶,۱۷	۳۵,۳۱	t= ۸,۴۴
مرد	۶۹,۵۷	۲۷,۸۴	Sig=۰,۰۰۰

داده‌های جدول فوق نشان می‌دهد که در بین مردان با میانگین (۶۹,۵۷) و زنان با میانگین (۵۶,۱۷) در میزان طرد ذهنی تفاوت وجود دارد و این تفاوت معنادار نیز است. به عبارت دیگر مردان طرد ذهنی بیشتری را تجربه می‌کنند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در رویکردی جدید، با هدف بررسی مقایسه‌ای رابطه جنسیت با میزان و ابعاد (عینی-ذهنی) طرد اجتماعی در جوانان ۲۹-۱۵ سال شهرستان نهاوند، سعی داشته تا فهم عمیق‌تری از میزان و ابعاد عینی و ذهنی طرد در بین زنان و مردان جوان این شهرستان بدست دهد. محرومیت اجتماعی با توجه به ابعاد و مؤلفه‌هایش امروزه به عنوان یکی از شاخص‌ها و مؤلفه‌های برجسته در رفاه اجتماعی جوامع مطرح می‌شود. موضوعی که با توجه به عمر کوتاهش بسیار مورد توجه سیاست‌مداران و برنامه‌ریزان رفاه اجتماعی قرار گرفته است. در چشم انداز طرد اجتماعی چنانچه آمده است، فقر و محرومیت نه فقط نقطه‌ای از زندگی فرد یا به اصطلاح یک "وضعیت"، بلکه در واقع یک "فرایند" یا جریان پیچیده است و زمانی به

وجود می‌آید که گروهها یا بخش‌هایی از یک جامعه، به دلایل اغلب غیر ارادی و ناخواسته و در یک روند تدریجی و انباشتی، دچار زنجیره‌ای از محرومیت‌ها یا فقدان‌های اساسی گردیده و از آنچه برای یک زندگی معمولی، سالم و بهنجار فردی و اجتماعی در هر جامعه لازم است جدا و دور می‌گردند.

به طور کلی، این مفهوم (طرد اجتماعی) قابل بررسی برای تمامی قشرهای جامعه است، اما نظر به اهمیت شناخت و تحلیل طرد در بین زنان و مردان جوان و بخصوص وضعیتی که زنان از نظر محرومیت اجتماعی در این شهرستان دارند، پیمایش حاضر به بررسی میزان طرد اجتماعی زنان و مردان شهری و روستایی این شهرستان، در وجوه محسوس و نامحسوس (عینی و ذهنی)، در قالب دو فرضیه پرداخته است.

نتایج پژوهش در فرضیه اول که رابطه بین جنسیت و میزان طرد اجتماعی را بررسی می‌کند، با ضریب همبستگی اتا با میزان $0/700$ حکایت از رابطه قوی بین جنسیت و میزان طرد اجتماعی دارد. علاوه بر این نتایج مقایسه میانگین بین زنان و مردان روستایی و شهری نشان می‌دهد که میزان اختلاف میانگین مشاهده شده در بین زنان و مردان روستایی معنادار است. به این معنی که زنان روستایی (با میانگین $2/16$) نسبت به مردان روستایی (با میانگین $1/97$) طرد اجتماعی بالاتری را تجربه می‌کنند. و همینطور زنان شهری (با میانگین $2/63$) از طرد بیشتری نسبت به مردان شهری (با میانگین $2/43$) رنج می‌برند.

در فرضیه دوم نیز که به بررسی مقایسه‌ای بین جنسیت و ابعاد طرد اجتماعی در شهر و روستا پرداخته شد. ضریب همبستگی اتا با میزان $0,496$ حکایت از رابطه قوی بین جنسیت و طرد عینی دارد. علاوه بر این میزان اختلاف میانگین مشاهده شده در بین زنان و مردان روستایی در رابطه با طرد عینی معنادار است. به این معنی که زنان روستایی (با میانگین $53,46$) نسبت به مردان روستایی (با میانگین $1/48,2497$) طرد عینی بالاتری را تجربه می‌کنند. و همین‌طور زنان شهری (با میانگین $2/63$) از طرد بیشتری نسبت به مردان شهری (با میانگین $2/43$) رنج می‌برند.

منابع

- ۱- تاج مزینانی، علی اکبر؛ شهابی، محمود. (۱۳۹۰) مرور ادبیات درباره وضعیت جوانان در ایران و تعیین موضوعات اولویت دار در ارتباط با جوانان، طرح پژوهشی سازمان ملی جوانان.
- ۲- تاج‌الدین، محمد باقر؛ غلامرضا غفاری. (۱۳۸۴). شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- ۳- زیبرا، مارتین (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی طرد شدگان اجتماعی، سید حسن حسینی، نشر نی.
- ۴- ضمیران، بهار (۱۳۸۸)، بررسی رابطه‌ی طرد اجتماعی و سلامت زایمان در زنان مراجعه کننده به بیمارستان حضرت رسول اکرم (ص) شهرستان جواهرود، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان دانشگاه الزهرا.
- 5- De Haan, Ajan (1999) "social exclusion: Toward and understanding of deprivation".
- 6- ESCWA(2007). Btorature review on social exclusion in the ESCWA region: NEWYORK.
- 7- Jehoel-Gijsbers.Gerda:cokvroman:(2007)."Explaining social exclusion" the Netherlands in statute for social research/scp.
- 8- Levitas,Ruth et.al(2007)."the multi-dimensional analisis of social exclusion",university of Bristol.
- 9- Narayan.D.Chambers(R). K.shah(M).Petesch(P).(2000), "Voive of the poor, crying out for ghang", oxford university pressfor world bank.
- 10- Silver, H (1994)social Exclusion and social solidarity:Three paredigms, International Labour Reviow. Vol.133,5,6,ABI/Informatin Global.
- 11- Silver Hilary and s.m.miler(2003), social exclusion the European approach to social disadvantage, indicators, vol.2,spring.

